

Foundations of Parental Civil Liability for Harmful Acts of Children in the Legal Systems of Iran and Egypt

Siamak Ghiyasi Sarraiki¹

Seyed Hassan Mobarez²

(Received on: 2022-10-30; Accepted on: 2023-06-11)

Abstract

The foundations and legitimacy of parental liability for the harmful acts of children are not entirely clear. Since this concept constitutes an exception to the principle of personal liability, it carries significant theoretical and practical implications. This raises the question: Given the widely accepted legal principle of personal civil liability, who bears responsibility for the harmful actions of children? Are parents liable, or do they bear no responsibility? If they are liable, what legal and theoretical principles justify this responsibility? Furthermore, how do the legal systems of Iran and Egypt approach this issue?

To address these questions, this study examines the foundations of parental civil liability for children's harmful acts within the Iranian and Egyptian legal systems. The research adopts a descriptive-analytical method, utilizing library sources to explore why, from a rational and legal standpoint, parents may be required to compensate for damages caused by their children.

Findings indicate that, according to the Iranian Civil Liability Law and the Egyptian Civil Code, parents are held accountable for their negligence in supervising and caring for their children, as well as for deficiencies in their upbringing. Although both legal systems establish negligence as the basis for liability, their interpretations and perspectives on parental fault differ, each approaching it from a distinct legal standpoint.

Keywords: Foundations of civil liability, harmful acts of children, Iranian legal system, Egyptian legal system.

1 . Assistant Professor, Department of Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran
Email: sqiasi52@gmail.com

2 . PhD Candidate in Private Law, Graduate of Level Three, Seminary of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)
Email: mobarez_abt@yahoo.com

مبانی مسئولیت مدنی والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان در نظام حقوقی ایران و مصر

سیامک قیاسی سررکی^۱

سیدحسن مبارز^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱)

چکیده

مبانی و مشروعیت مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان چندان هویدا نیست؛ درحالی که بر این مسئله که استثنایی بر اصل مسئولیت شخصی است، آثار علمی و عملی بسیاری مترتب می شود. پرسش این است که با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی که بر اساس اصول حقوقی پذیرفته است، درباره اعمال زیان بار کودکان چه کسی یا اشخاصی مسئول هستند؟ والدین در این باره مسؤول خواهند بود یا مسئولیتی ندارند؟ اگر پاسخ مثبت است، این مسئولیت با کدام اصول و مبانی توجیه می شود؟ نظام حقوقی ایران و مصر در این باره چه موضعی دارند؟ با توجه به این پرسش ها مبانی مسئولیت مدنی والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان در دو نظام حقوقی ایران و مصر به عنوان یک واقعه حقوقی، نیازمند بررسی تا رسیدن به پاسخی درخور است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای، درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که به چه دلیل و توجیه عقلی و منطقی در برخی موارد، والدین باید خسارت وارده از سوی کودک را جبران کنند؟ بعد از بررسی و مطالعه در متون حقوقی، قوانین دو کشور و رویه های قضایی، یافته ها نشان می دهد بر اساس حکم قانون مدنی مصر و قانون مسئولیت مدنی ایران، والدین به دلیل کوتاهی در نگهداری و مراقبت از کودک و نیز کوتاهی در تربیت کودکان، مسئول قلمداد شده اند. گرچه هر دو قانون تقصیر را مبنا قرار داده اند، نگاه هر یک از دو قانون به تقصیر متفاوت است و هر کدام از زاویه خاصی به تقصیر والدین نگریسته اند.

کلیدواژه ها: مبانی مسئولیت مدنی، اعمال زیان بار کودکان، نظام حقوقی ایران و مصر

۱. استادیار گروه حقوق، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران (نویسنده مسئول) sqiasi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعة المصطفی العالمية، قم، ایران mobarez_abt@yahoo.com

مقدمه

مسئله‌ای که زیان‌زننده باید از عهده زیان وارد شده برآید، اصل مسلم و عقلایی به شمار می‌رود؛ همچنین قوام معاملات و دادوستدهای رایج میان مردم بر این مبنا شکل می‌گیرد که در صورت ضرر و زیان، زیان‌زننده ملزم به جبران آن خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۰ ه. ش، ص ۱۶). نگاهی گذرا به متون فقهی و قانونی و دقت در سیره و روش طرفین معامله به خوبی این مسئله را روشن می‌کند؛ چنان‌که منابع فقهی و احکام شرعی نیز لبریز از دستورهای مختلف و متعدد در این باره‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ ه. ج ۳۷، ص ۵۹ و ج ۴۳، ص ۱۲۱؛ مدرس، ۴۰۸ ه. ص ۱۲۸). مسئولیت مدنی هم یک اصل عقلایی و هم یک حکم شرعی و قاعده حقوقی است که تضمین‌کننده خسارت‌ها و زیان‌های احتمالی ناشی از قصور یا تقصیر افراد در معاملات و قراردادهای و نیز خسارت‌های ناشی از اعمال زیان‌آوری است که خارج از قرارداد انجام می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ه. ص ۴۳۵؛ شهید صدر، ۱۴۰۰ ه. ج ۴، ص ۳۱۹).

در فقه اسلامی، مبنای ضمان و مسئولیت مدنی قواعد مختلفی وجود دارد؛ ولی به طور کلی سه قاعده اتلاف، تسبیب و لاضرر بحث می‌شود (انصاری، ۱۴۳۴ ه. ج ۳، ص ۳۴۳؛ الحسینی المرآعی، ۱۴۱۷ ه. ج ۲، ص ۳۵۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۲ ه. ج ۱۰، ص ۵۰۲). در حقوق موضوعه نیز مبانی متعددی درباره مسئولیت مدنی وجود دارد؛ اصل اولی در مسئولیت مدنی این است که هرکسی به دیگری ضرر و زیانی وارد کند، ضامن جبران خسارت است. این اصل در همه نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده است و در حقوق اسلام نیز در آیات متعددی از قرآن کریم و روایات متواتر معصومین (ع) بر اصل شخصی بودن مسئولیت تأکید شده است (انعام ۶: ۱۶۴؛ فاطر ۳۵: ۱۸؛ زمر ۳۹: ۷). نگاهی گذرا به متون منابع فقهی این مسئله را روشن کند که مسئولیت مدنی شخصی امری مسلم و بدیهی است (کاشف الغطا، ۱۴۲۲ ه. ج ۴، ص ۶۰۴؛ رشتی، [بی‌تا]، ص ۲۹). ولی در قوانین موضوعه کشورها درباره مسئولیت مدنی بر این اصل استثناهایی وارد شده است؛ برخی افراد را مسئول جبران عمل زیان‌بار تعدادی دیگر معرفی می‌کنند؛ چنان‌که ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران مقرر می‌دارد: «کسی که

نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد؛» همچنین قانون‌گذار در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر می دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبن است». پرسش این است که دلیل چنین استثنایی چیست؟ چرا والدین مسئول اعمال زیان بار کودکان خود هستند؟ آیا مسئول معرفی کردن والدین با قاعده کلی که هر شخص مسئول آثار عمل زیان بار خویش است، منافات ندارد؟ مبنای این مسئولیت چیست؟ و با چه توجیه عقلی و منطقی والدین و سرپرست کودک مسئول است؟ و اینکه در قانون والدین ملزم به جبران خسارت ناشی از اعمال زیان بار کودکان شده است، این اجبار و باید و نیروی الزام آور از کجا سرچشمه می گیرد؟ و چه مقامی ارزش قواعد آن را تأمین می کند؟ چرا والدین باید مسئولیت اعمال زیان بار و خسارت وارده از سوی کودک را بر عهده داشته باشد؟ در این مقاله به چرایی این مسئولیت از دیدگاه حقوق ایران و مصر پاسخ داده می شود و مبنای مسئولیت والدین به طور تطبیقی از دیدگاه حقوق ایران و مصر بررسی می گردد.

۱. مفهوم شناسی

فرایند هر پژوهشی برای رسیدن به نتیجه باید مفاهیم کلیدی آن به دقت تبیین شود؛ زیرا تا تعریف واژه ای به درستی تبیین نگردد و فهم مشترکی حاصل نشود، نمی توان در چارچوب علمی از ابعاد آن سخن گفت. با این توضیح در این پژوهش به تبیین مفاهیم کلیدی مانند مبانی مسئولیت مدنی، والدین و اعمال زیان بار پرداخته می شود.

۱-۱. مبانی مسئولیت مدنی

«مبانی» جمع مبنا به معنای بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه به کار برده شده است (طریحی، ۱۴۰۸ هـ، ذیل واژه؛ مهیار، ۱۳۷۶ هـ، ص ۷۷۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷ هـ، ذیل واژه؛ انوری، ۱۳۸۲ هـ، ج ۷، ذیل واژه). بنابراین مبنا، دلالت بر ریشه ها و مسائل اساسی و پایه ای یک پدیده دارد. در ساحت علوم به ویژه علوم اجتماعی و انسانی، مبانی به پیش فرض های

کلان و باورهای علمی و اعتقادی فهمنده و تحلیل‌گر اطلاق می‌شود. بر این اساس، گستره مصداقی مفهوم مبنا شامل دلایل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش و گاه با توسعه‌ای شامل اصول موضوعه کلامی و فلسفه‌های آنها می‌گردد. برخی از حقوقدانان به گستره مفهوم مبنا اشاره می‌کنند؛ با این توضیح که «واژه مبنا اندکی گسترده‌تر از معنای فلسفی آن به کار رفته است؛ یعنی تنها بیان‌کننده دلیل الزام‌ها و منشأ پنهانی تکالیف حقوقی نیست، بلکه به ستون‌های اصلی حقوق عمومی نیز می‌پردازد» (کاتوزیان، ۱۳۹۵ ه.ش، ص ۹). برخی نیز در پژوهش خود در این باره و به طور مشخص در باب مفهوم ترکیب واژه «مبانی مسئولیت مدنی» به فهم پیش نقل از مفهوم مبانی اذعان می‌کنند؛ با این توضیح که مبانی، زیرساخت‌ها و پایه‌های بنیادین یک امر است که حکایت‌کننده واقعیت‌هایی است که وجود یک پدیده را ضروری و منطقی کند؛ از این رو مبانی از منابع متمایز است؛ زیرا منابع، متأخر از مبانی قرار دارند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۲۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۷؛ مدنی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۳۲).

۲-۱. اعمال زیان‌بار

یکی از ارکان مسئولیت مدنی، ارتکاب فعل زیان‌بار است. فعلی زیان‌بار است که از نظر عرف و اجتماع ناهنجار به شمار رود و از سوی دیگر از نظر قانونی مجوزی برای ارتکاب آن وجود نداشته باشد (دالوند، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۲۱). در ماده ۱ ق.م.م ایران آمده است: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده به بدون مجوز قانونی بودن عمل اشاره شده است؛ یعنی اگر فعل با مجوز قانونی انجام شده باشد، شخص مسئول خسارت ناشی از آن نیست. در اینجا منظور قانون معنای وسیع کلمه است که تمامی قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اداری، دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی را دربر

می‌گیرد (دالوند، ۱۳۸۶ هـ، ص ۲۲). افزون بر مجوز قانونی، دفاع مشروع نیز مانع تحقق مسئولیت است؛ همان‌گونه که در ماده ۱۵ ق. م. م. تصریح شده است: «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعددی شود، مسئول خسارت نیست؛ مشروط بر اینکه خسارت وارد بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد».

۳-۱. کودکان

کودک به معنای انسانی است که هنوز بالغ و بزرگ نشده است. واژه شیرخوار معنای خاص‌تری دارد و فقط به دوره شیرخوارگی کودک گفته می‌شود. نوزاد نیز به دوره شیرخوارگی و اندکی پس از آن اطلاق می‌گردد. در عربی واژه‌های «طفل» و «صغیر» مترادف کودک، واژه «رضیع» به معنای شیرخوار و واژه «صبی» نیز گاه به معنای کودک و گاه شیرخوار است (دهخدا، لغت‌نامه، واژه کودک؛ ابن‌منظور: ۱۴۰۵ هـ، ج ۱۱، ص ۴۰۱؛ فیومی، ۱۴۱۸ هـ، ص ۳۷۴). در قرآن، روایات و متون فقهی واژگانی مانند طفل، صبی و صغیر معادل کلمه کودک هستند (وزیری، ۱۳۸۷ هـ، ص ۴۷) که طفل به معنای بچه، کودک و نوزاد است؛ صبی نیز کودکی است که به احتلام نرسیده باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ هـ، ش، ص ۳۱۰). صغیر نیز در لغت به معنای خرد، کوچک و کم‌سن (زبیدی حنفی، ۱۴۳۵ هـ، ج ۳، ص ۳۳۴) و در اصطلاح به معنای کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد (خمینی، ۱۳۹۰ هـ، ش، ج ۲، ص ۱۲).

کودک در نظام‌های حقوقی گوناگون، با معیارهای متفاوتی تعریف شده است. در بیشتر نظام‌های جدید حقوقی، تعریف کودک ناظر بر سن انسان است و سن تنها عامل تمایز دوره کودکی از بزرگ‌سالی است؛ ولی در فقه و حقوق اسلامی، پایان کودکی ناظر بر بلوغ فرد است که مراد از آن آغاز مرحله‌ای از زندگی است که از یک سو با پدید آمدن برخی دگرگونی‌های جسمی از جمله بیداری غریزه جنسی، آمادگی توالد و تناسل به وجود می‌آید و از سوی دیگر قوای عقلی، ادراکی و روانی رشد می‌یابد. بالغ شدن معیار ورود از دوره کودکی به بزرگ‌سالی است و سن فقط یکی از معیارهای بلوغ است (امامی، ۱۳۸۷ هـ، ش، ج ۵، ص ۲۴۴-۲۴۵).

در اصطلاح حقوقی کنوانسیون ۱۹۸۹ هر انسان زیر هجده سال کودک دانسته می‌شود، مگر اینکه طبق قانون مدنی مربوط به کشور، سن بلوغ کمتر باشد.

۴-۱. تقصیر

به اجمال از مطالعه قوانین ایران و مصر به دست می‌آید که مبنای مسئولیت والدین از دو حالت خارج نیست؛ مبنای مسئولیت یا تقصیر است یا فرض تقصیر. از آنجاکه تقصیر مفهومی کلی است، باید مفهوم آن روشن شود. تقصیر در لغت به معنای سست کردن، کوتاهی کردن در کاری، قصور در کاری و همچنین گناه و جرم آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ ه.ش، ذیل واژه). تقصیر در اصطلاح حقوقی، رفتار کسی است که به واسطه عمل او شخصی دچار زیان می‌شود و این کار به طور نامشروع انجام گرفته است. بین حقوقدانان دیدگاه واحدی در مفهوم تقصیر وجود ندارد. یکی از نویسندگان حقوقی می‌نویسد: «تقصیر در باب مسئولیت مدنی اعم از تعدی و تفریط است؛ چنان‌که در ماده ۹۳۵ قانون مدنی ایران آمده است. پس تقصیر هم به فعل است و هم به ترک فعل و ممکن است فعل یا ترک عمدی باشد و یا غیر عمدی. در تعریف سنتی، تقصیر عبارت است از عمل نامشروع و غیرقانونی که قابل انتساب به عامل آن است که گاهی از آن به عمل قابل سرزنش نیز تعبیر می‌شود؛ ولی حقوقدانان جدید از توجیه اخلاقی تقصیر دست برداشته و برای تقصیر مفهوم نوعی و جنبه اجتماعی، قائل شده‌اند، بدین معنی که تجاوز از رفتار متعارف، تقصیر محسوب می‌شود؛ یعنی ملاک تقصیر سنجش رفتار مباشر با رفتار متعارف است. در عرف حقوقی امروز برای آنکه شخصی را مقصر فرض نماییم، لازم نیست عمل شخص قابل سرزنش باشد، بلکه باید به رفتار یک انسان معمولی و متعارف در جامعه که دارای همان شرایط است توجه داشت» (کاتوزیان، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۱۱۲).

بر اساس دیدگاه حقوقدانان قدیم و جدید، معیار و میزان سنجش تقصیر دو چیز است: الف) رفتاری که سرزنش و ملامتی وجدان را در پی داشته باشد؛ ب) خروج انسان از رفتار فرد معمولی و متعارف در جامعه. در قانون مدنی و مجازات اسلامی مصادیق تقصیر به تفصیل بیان شده

است؛ خلاصه به طور جایی که فعل یا ترک از روی خطا، اهمال، غفلت و بی احتیاطی باشد نیز تقصیر نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ه.ش، شماره ۱). در اینجا نیز منظور از تقصیر آن است که والدین از وظایف قانونی خود کوتاهی کنند و آنها را انجام ندهند.

۵-۱. نگهداری و مواظبت

بر اساس ماده ۷ ق.م.م، شرط تحقق مسئولیت مدنی والدین این است که آنان در انجام وظیفه «نگهداری» و «مواظبت» از کودک کوتاهی کرده باشند. درباره معنای نگهداری و مواظبت بین حقوقدانان اختلاف است؛ برخی گفته‌اند هر دو عبارت یک معنا دارند؛ ولی در عرف قانون نویسی از عبارات مترادف استفاده نمی‌شود و اینکه قانون‌گذار دو عبارت آورده است، به یقین دو چیز را مراد می‌کند و معنای متفاوت اراده کرده است؛ چنانچه برخی از حقوقدانان برجسته ایرانی مانند کاتوزیان و سیدحسین صفایی در مقام تفسیر این دو اصطلاح گفته‌اند: «نگهداری بیشتر در موردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت خود از کودک یا دیوانه پذیرایی می‌کند و هزینه غذا و محل سکونت و استراحت و لباس و تربیت او را می‌پردازد؛ ولی «مواظبت» به معنای سرپرستی معنوی و هدایت کودک و دیوانه و نظارت بر رفتار و معاشرت و تعلیم و تربیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۲، ص ۱۸۸؛ صفایی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۲۴۱). یکی از نویسندگان حقوقی درباره نگهداری می‌نویسد: «نگهداری طفل عبارت است از به‌کاربردن وسایل لازمه برای بقا و نمو و بهداشت جسمی و روحی طفل می‌باشد؛ مانند دادن خوراک، پوشانیدن لباس پاکیزه، تمیز نگاه داشتن طفل به وسیله شستشوی لباس و امثال آن، آنچه سن طفل اقتضای آن را دارد و چنانچه طفل بیمار گردد، بردن نزد پزشک متخصص و دادن دوا و پرستاری لازم. در هر سنی صغیر یک نوع نگهداری می‌خواهد که متناسب با طبیعت او می‌باشد» (امامی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۵، ص ۱۹۸).

برخی از حقوقدانان «تربیت» را نیز بخشی از این دو وظیفه می‌دانند و تقصیر در تربیت درست را سبب مسئولیت والدین به شمار آورده‌اند (درویان، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۱۶). پس

کسی که در نگهداری و تربیت فرزند خود مرتکب تقصیر شده باشد، مسئول جبران خسارت خواهد. تربیت طفل عبارت است از آموزش آداب اجتماعی به کودک و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و نیز کوشش برای اینکه طفل دانش، صنعت یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی را فراگیرد تا در آینده بتواند از رهگذر درآمد کافی، دارای زندگی همراه رفاه باشد. ماده ۱۱۷۸ ق.م می‌گوید: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهممل بگذارند» (امامی، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۵، ص ۲۰۰).

۲. مصونیت یا مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان

به طور کلی و بنا بر اصل مسلم حاکم بر روابط اشخاص، هر شخص مسئول عواقب و آثار عمل زیان بار خویش است. چنان‌که قانون اشخاص را ملزم می‌کند به وظیفه خود عمل نمایند یا از انجام اعمالی خودداری کنند و هرگاه چنین نکردند و زیانی به بار آمد، ناگزیر آن را جبران کنند. این پرسش مطرح می‌شود که آیا مسئولیت والدین مستثنای از اصلی است که هر کسی را مسئول عمل خویش می‌داند یا با قبول این اصل، مسئولیت والدین هم توجیه‌شدنی است؟ چرا غرامت خطای شخصی را دیگران باید بدهند؟ دانشیان فقه و حقوق در این باره دو اندیشه و انگاره کلی دارند؛ برخی بر معافیت والدین و مصونیت تأکید کرده‌اند؛ عده‌ای نیز معتقد به مسئولیت مدنی والدین هستند. دلایلی که برای معافیت والدین از مسئولیت مدنی بدان استناد شده است، عبارت‌اند از:

دلیل اول: اصل در اسلام، بر شخصی و فردی بودن مسئولیت است. بر مبنای این اصل هر کسی مسئول اعمال خویش است و باید به تنهایی مسئولیت عمل خود را تحمل نماید و هیچ‌کس نباید ضرر و زیان دیگران را تحمل کند؛ بنابراین تنها شخص مجرم مجازات می‌بیند و دیگران در برابر اعمال او مسئولیتی ندارند. توضیح آنکه در دوران نخستین که از آن به دوره انتقام خصوصی تعبیر می‌شود، اگر فردی از یک قبیله به حقوق فردی از قبیله دیگر تجاوز می‌کرد،

فعل او تعدی به تمام قبیله به شمار می‌آمد. در این حال ستم دیده حق داشت در پناه قدرت قبیله خود به دادخواهی برخیزد و ستمکار را به سزای اعمال خود برساند. گاه آتش انتقام جویی گسترده می‌شد و دامن خویشاوندان و نزدیکان بزهکار را نیز می‌گرفت؛ زیرا مسئولیت فردی در این دوره هنوز مفهومی نداشت. به تدریج بشر خود را از سایه وحشتناک و سنگین مسئولیت جمعی رها کرد؛ چنان‌که هر کسی مسئول اعمال خویش است و بزه دیده تنها می‌تواند مجازات فرد بزهکار را بخواهد. با توجه به اهمیتی که نظام حقوقی اسلام برای آزادی فردی و امنیت قضایی قائل است، قبول مسئولیت شخصی اجتناب‌ناپذیر است. این اصل دارای ریشه‌های قرآنی است و برای مبرهن کردن این اندیشه به آیاتی از قرآن استناد شده است: «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (انعام ۶: ۱۶۴): هیچ‌کس چیزی نیندوخت مگر علیه خود و هیچ نفسی بار دیگری را به دوش نمی‌گیرد». «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا (اسراء ۱۷: ۱۵): هر کس راه هدایت یافت، تنها به نفع و سعادت خود یافته است و هر که به گمراهی شتافت، او هم به زیان و شقاوت خود شتافته است و هیچ‌کس بار عمل دیگری را به دوش نگیرد». «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِهَآ لَا يَحْمِلْ مِنْهُ شَيْءٌ (فاطر ۳۵: ۱۸؛ زمر ۳۹: ۷): هیچ‌کس بار عمل دیگری را بر دوش نمی‌گیرد». «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ (طور ۵۲: ۲۱): هر نفسی در گرو عملی است که خود اندوخته است». «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر ۷۴: ۳۸): هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است». این آیات دلالت دارند بر اینکه نفس تحمیل مجازات و مؤاخذه افراد در مقابل خسارت‌ها و جرم دیگران خلاف عدالت و اصل عقلایی است؛ چنان‌که قرآن در این آیات همگان را در برابر اعمالشان مسئول می‌داند و نتایج اعمال هر کسی را در درجه اول متوجه خود او می‌داند.

برخی از گزاره‌های روایی از جمله نبوی «أَمَّا إِنَّهُ لَا يَجْنِي عَلَيْكَ وَلَا تَجْنِي عَلَيْهِ: بدان که او [پسر] جنایت تو [پدر] را بر عهده نمی‌گیرد و تو جنایت او را نمی‌توانی بر عهده بگیری» هم بر این اصل دلالت دارند.

دلیل دوم: نص قانون؛ قانون مدنی با اینکه حدود هشتاد سال قبل تصویب شده است، مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در آن مغفول نمانده است. ماده ۱۲۱۶ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون باعث ضرر شود، ضامن است». چنان‌که اصل بر این است که هر کسی پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشد؛ ولی این نقص تا حدودی در قانون مسئولیت مدنی جبران شده است؛ برای نمونه در ماده ۷ آن قانون به صراحت مسئولیت سرپرست مجانین و صغار بررسی شده و چنین آمده است: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسر و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد». توضیح اینکه در مورد سرپرست صغیر یا مجنون هم ماده ۷ صراحت دارد آنان وقتی مسئول جبران خسارت اند که در نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر کوتاهی کرده باشند. در این مورد هم ملاحظه می‌گردد که مسئولیت به فعل یا ترک فعل (تعدی و تفریط) سرپرست برمی‌گردد؛ درحقیقت به فعل شخصی آنان مستند است نه اعمال دیگران. چنان‌که ماده ۳۰۶ ق.م.ا. صغار و مجانین را مسئول جبران خسارات جسمی وارد شده بر غیر نمی‌داند و مقرر کرده است: «جنایت عمد و شبه‌عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد».

۱-۲. نقد و بررسی دلایل

دلالت نداشتن این دو دلیل روشن است؛ چون وجود مسئولیت مدنی برای والدین با اصل شخصی و فردی بودن مسئولیت منافاتی ندارد. چنان‌که باید بین مسئولیت جزایی و مسئولیت مدنی به تفکیک قائل شد. اصل پیش‌گفته مقرر می‌دارد مجازات‌ها تنها برای مرتکبان جرم اعمال شدنی و مسلم است؛ چراکه در گذشته دور نه تنها شخص بزه‌کار تعقیب می‌شد،

بلکه خانواده‌ا و نیز مصون از تعرض نبودند و در مقابل عمل بزه‌کار مسئولیت داشتند؛ ولی اسلام این رویه غیرعادلانه را نپذیرفت و اعمال مجازات‌ها را بر مبنای مسئولیت شخصی سامان داده است.

آیات مورد استناد نیز ناظر بر عقوبت و مسئولیت کیفری اخروی هستند؛ یعنی هر کسی در گرو عملی که انجام می‌دهد، مسئول است و هیچ‌کس در عالم حساب بارگناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد و هیچ‌کس نمی‌تواند اظهار کند بارگناه من بر دوش کسانی است که مرا همراه کرده‌اند، بلکه آثار گناه هر کسی تنها گریبان خود او را خواهد گرفت. بنابراین اصل پیش‌گفته و نیز آیات دلالت‌کننده بر آن اصل، درباره مسئولیت کیفری است و نه مدنی و اگر بر عمومیت داشتن اصل و شمول آن بر مسئولیت مدنی اصرار شود، در پاسخ می‌توان گفت دیه عاقله که یکی از تأسیسات حقوقی اسلام است، با مسئولیت شخصی منافات دارد؛ با وجود این برای رعایت اصل عدالت و رفع ضرر از متضرر و هدرنرفتن خون مسلمان جعل شده است.

همچنین می‌توان از ماده ۳۳۲ در باب تسبیب (اقوی بودن سبب از مباشر) مسئولیت مدنی نگهدارنده (سرپرست) را استنباط کرد؛ چنان‌که قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب اسفندماه سال ۱۳۵۳ شمسی در ماده ۲ سرپرستی را به منظور تأمین منافع مادی و معنوی طفل برقرار کرده است و در ماده ۱۲ وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی را به لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر دانسته است و تبصره این ماده، اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر را بر عهده سرپرست گذاشته است. البته منشأ تعهد به نگهداری و مواظبت از صغیر، ممکن است قانون باشد یا این تعهد از قرارداد سرچشمه گیرد؛ به همین دلیل قسمت نخست ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که نگهداری و مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد».

بنابراین در حقوق ایران، والدین تکلیف به نگهداری از اطفال صغیر خود دارند؛ چنان‌که ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». مبنای

مسئولیت پدر و مادر طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تقصیر در نگهداری یا مواظبت است؛ چنان‌که در مورد اعمال زیان‌بار کودکان، کسی را مسئول می‌شناسد که نگاهداری یا مواظبت این اشخاص به حکم قانون یا به موجب قرارداد بر عهده وی قرار دارد. والدین از جمله اشخاصی هستند که از نظر قانونی مکلف به نگهداری و مواظبت از فرزند خود هستند. در حقوق مصر و رویه قضایی این کشور نیز مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان‌بار کودکان پذیرفته شده است و در موارد بسیاری والدین دارای مسئولیت مدنی هستند. بر اساس قانون مدنی مصر، با وجود دو شرط مسئولیت ناشی از فعل غیر تحقق می‌یابد و با احراز آن دو شرط مسئولیت مدنی والدین نیز محقق خواهد بود (السنهوری، ۱۳۶۹ هـ، ج ۱، ص ۸۰۸). آن دو شرط عبارت‌اند از: الف) رابطه تبعیت بین دو شخص وجود داشته باشد؛ ب) شخص تابع و پیرو در حال انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه مرتکب خطایی گردد که موجب ورود ضرر به دیگری شود. در این حالت شخص متبوع و آمر مسئولیت مدنی خواهد داشت. مسئولیت مدنی والدین تنها در قانون پذیرفته نشده است، بلکه در رویه قضایی کشور مصر نیز مورد پذیرش عملی واقع شده و محاکم مصر در موارد فراوان والدین را مسئول شناخته‌اند و حکم به جبران خسارت از سوی والدین کرده‌اند. مقررات حقوق مصر محدوده مسئولیت ناشی از فعل دیگری را که از تکلیف سرپرستی ناشی می‌شود، بسیار گسترش داده است؛ بنابراین دایره افرادی که مسئول شناخته می‌شوند، افزون بر پدر و مادر، دیگر اقوام را نیز دربر می‌گیرد (قانون مدنی مصر، ماده ۱۷۳). زوج نیز در صورتی که زوجه صغیر باشد، مسئول است و همین‌طور شخصی که زوج در این حالت تحت تکفل اوست (قانون مدنی مصر، قسمت اخیر تبصره ۲، ماده ۱۷۳). «صغار در مدرسه و کارآموزان در کارگاه در اوقاتی که تحت مراقبت معلم و استادکار هستند، تحت سرپرستی آنان قرار دارند» (قانون مدنی مصر، تبصره ۲، ماده ۱۷۳). ماده پیش‌گفته سرانجام تصریح می‌کند: «صغیر قبل از رسیدن به پانزده سالگی نیازمند مراقبت فرض می‌شود و همچنین پس از این سن، اگر تحت سرپرستی شخصی باشد که مسئول آموزش اوست».

۳. ماهیت و مبانی مسئولیت در قبال اعمال زیان بار کودکان

۳-۱. ماهیت مسئولیت در قبال اعمال زیان بار کودکان

دانشیان فقه و حقوق مسئولیت مدنی را از لحاظ ماهیت به مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد تقسیم کرده‌اند که در فقه از آنان به ضمان معاملی و قهری یاد می‌شوند. بر این اساس مسئولیت مدنی والدین از لحاظ ماهیت، غیرقراردادی است؛ زیرا از اجرائشدن حکم مقنن یا دقیق‌تر از انجام نگرستن تکالیف عام موجود در قانون سرچشمه می‌گیرد (قانون مدنی، مواد ۱۱۷۸، ۱۱۷۹ و ۱۱۶۸)؛ چراکه حقوق ایران که بر اساس حقوق اسلام قرار دارد و عمده قواعد و قوانین حقوقی آن مبتنی بر مبانی و قواعد فقهی است، مسئولیت مدنی والدین را، از نوع خارج از قرارداد و قهری می‌داند (قانون مدنی، مواد ۱۱۷۹، ۱۱۷۸، ۱۱۶۸)؛ زیرا هیچ‌گونه قراردادی میان مسئول جبران خسارت و زیان دیده از قبل وجود نداشته است که تخلف از آن برای والدین مسئولیتی را ایجاد کرده باشد، بلکه این مسئولیت ناشی از عمل نکردن به تکالیف قانونی آنها سرچشمه گرفته است؛ زیرا پدر و مادر مسئول نگهداری و مواظبت فرزندان خود است. ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند برای اولاد خود که تحت ولایت او می‌باشد، وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت نماید». این قانون بیان می‌کند که ولی قهری نیز در دوران حیات عهده‌دار تکلیف نگهداری و تربیت اولاد تحت ولایت خویش است. می‌توان گفت بر اساس فقه امامیه، ماهیت مسئولیت مدنی والدین خارج از قرارداد و ضمان قهری است؛ زیرا هیچ‌گونه قرارداد میان والدین و فرزندان از قبل نبوده است تا بتوان مسئولیت آنها را بر اساس قرارداد پیش‌گفته تحلیل نمود؛ بنابراین مسئولیت آنان از نوع ضمان قهری است. کاشف الغطا در صورت اطلاع ولی، ید طفل را ید ولی می‌داند (کاشف الغطا، ۱۴۲۲هـ، ج ۴، ص ۶۰۴)؛ فخرالمحققین نیز در مورد لقطه‌ای که بعد از تعریف، اطفال آن را مالک شده است، ولی اهمال ورزد و از دست طفل آن را نگیرد تا تلف شود؛ ولی را ضامن می‌داند (فخرالمحققین، ج ۲، ص ۱۵۲). بر اساس فرموده فخرالمحققین، ضمان ولی بدون قراردادی بین ولی و طفل است؛ بنابراین ماهیت ضمان والدین از نوع خارج قرارداد و ضمان قهری و غیرقراردادی است.

۲-۳. مبانی مسئولیت در قبال اعمال زیان بار کودکان

پژوهش در نظام حقوقی مصر، بیان کننده آن است که تقصیر مبنای مسئولیت مدنی به شمار می رود؛ به این معنا که بر اساس مقررات و رویه قضایی و اصول مسئولیت مدنی مصر، زمانی که والدین از انجام وظایف خود تقصیر کرده باشند، مسئول هستند و بر این اساس فرض بر تقصیر آن دو شده است؛ ولی مقررات حاکم بر مسئولیت مدنی در نظم حقوقی ایران مانند ماده یک قانون مسئولیت مدنی، بیان می کند که در این نظام حقوقی تقصیر به یکی از مبانی مسئولیت مدنی به شمار رفته است. در ادامه مبنای مسئولیت مدنی والدین با توجه به انگاره تقصیر در دو نظام حقوقی پیش گفته به بحث گرفته می شود.

۱-۲-۳. نقش انگاره تقصیر در توجیه مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان

۱-۱-۲-۳. انگاره تقصیر در نظام حقوقی ایران

بر اساس نظریه تقصیر، اگر کسی تنها بر اثر تقصیر خویش باعث زیان دیگری شود، مسئول است که خسارت را جبران کند. بر اساس این نظریه، تنها کسی مسئولیت مدنی دارد که در اعمال و رفتار مرتکب تقصیر شده باشد، در غیر این حالت نمی توان سخن از مسئولیت او به میان آورد. به بیان دیگر بر اساس این انگاره، زمانی مسئولیت مدنی معنا و مفهوم پیدا می کند که رابطه علیت بین تقصیر شخص و فعل زیان بار پدید آمده باشد، وگرنه جبران خسارت از سوی او ناموجه خواهد بود.

در این انگاره مسئولیت بر اساس تقصیر امکان سنجی می شود؛ بنابراین اگر در نتیجه تقصیر شخصی به دیگری خسارت وارد شود، زیان رسان مسئول جبران خسارت خواهد بود. باورمندان به این انگاره کوشیده اند ردای اخلاق را بر قامت مسئولیت مدنی بپوشانند و بیش از پیش میان حقوق و اخلاق آشتی پدید آورند (حکمت نیا، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۲۶۲). بر این اساس اظهار می دارند: «دلیل مسئولیت عامل زیان این است که او مرتکب تقصیر گردیده و فعل یا ترک فعل عمدی وی سبب ورود خسارت به دیگری شده است و بر اساس قواعد مسلم

اخلاقی، عامل زیان مسئول است و باید خسارت وارده را جبران نماید» (قاسمی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۸۸). گفتنی است معیار سنجش تقصیر در این انگاره، اخلاق است؛ بدین معنا که زیان رسان تنها در صورتی که رفتار مغایر با اخلاق انجام داده باشد، مسئول است.

بر اساس انگاره تقصیر، باید زیان دیده اثبات کند عامل زیان در ورود ضرر به او تقصیر داشته است تا قادر به مطالبه جبران خسارت باشد، در غیر این حالت جبران خسارت امر ناموجه و ناپذیرفتنی خواهد بود. درواقع بر مبنای انگاره تقصیر در مسئولیت مدنی، زیان دیده نقش مدعی را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۶۸)؛ ازاین رو باید تقصیر عامل زیان را اثبات نماید، وگرنه دادخواهی او ره به جایی نمی برد.

دلیل پیروان انگاره تقصیر، مبنای اخلاقی آن است؛ یعنی شخص آن گاه محکوم است که از لحاظ اخلاقی کاری مذموم انجام داده باشد، وگرنه اگر رفتار شخص خلاف اخلاق نباشد، نمی توان او را ملزم به جبران خسارت کرد. پلنیول می گوید: «هر جا که مسئولیت بی تقصیر پذیرفته می شود یک بی عدالتی اجتماعی رخ می دهد؛ این حکم در حقوق مدنی همانند این است که در حقوق کیفری بی گناهی مجازات شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۶۸). بنابراین اگر کسی با نقض تکالیف احتیاطی و اصول رفتار متعارف خسارتی را متوجه دیگران نماید، مسئول زیان های پدیدآمده خواهد بود.

گفتنی است در مسئولیت مدنی والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان، نقش انگاره تقصیر پررنگ است؛ به گونه ای که در مواردی تقصیر عامل زیان افزون بر مسئولیت های مدنی، مسئولیت های کیفری را نیز به وجود می آورد. بنابراین اگر از سوی کودکان به دیگری ضرری وارد شود والدین که بر اساس مبانی حقوقی، مسئول نگهداری آنها هستند، از انجام تکالیف و وظایف خود کوتاهی و تقصیر کرده باشد، مسئول جبران خسارت وارد شده خواهند بود. مسئولیتی که قانون برای کسانی که قانوناً عهده دار نگهداری یا مواظبت از صغیرند مقرر می دارد، بر مبنای تقصیر آنان استوار است. این تقصیر بر حسب مورد تقصیر در مراقبت و مواظبت یا تقصیر در تعلیم و تربیت است. ارتکاب عمل زیان بار از سوی صغیر یا مجنون

زیان دیدگان را بر آن می‌دارد که بپندارند اشخاص مذکور بر حسب مورد مرتکب یکی از دو تقصیر نامبرده یا حتی هر دوی آنها شده‌اند.

بر اساس نظر دیگر در این باره که می‌توان آن را در ارتباط با دیدگاه یادشده انگاشت، مبنای سنتی مسئولیت پدر و مادر، تقصیر آنان در تعلیم و تربیت و مراقبت و مواظبت فرزند است؛ اما واقع بینانه نخواهد بود اگر تصور شود کودکی که به خوبی تعلیم و تربیت یافته است، هیچ‌گاه حتی غیرارادی زیان به بار نخواهد آورد. با توجه به این نکته و بر این مبنا، مصلحت و نفع قربانی عمل زیان بار نیز افزوده می‌شود؛ زیرا نفع زیان دیده در آن است که با شخصی بی چیز مواجه نشود. در این مورد گفته شده است که ملاحظات مربوط به انصاف هم راهنمای مقنن بوده است؛ زیرا در بیشتر اوقات عامل مستقیم زیان، توان مالی جبران خسارت را ندارد؛ از این رو برای آنکه زیان وارد شده بر قربانی عمل زیان بار بدون جبران باقی نماند، انصاف ایجاب می‌کند بار جبران خسارت بر عهده کسی نهاده شود که ملزم به مواظبت و مراقبت از وی بوده و از تمکن مالی برخوردار است.

به گونه دیگر نیز می‌توان مسئولیت پدر و مادر را درک کرد؛ قربانی عمل زیان بار نمی‌تواند به آنچه داخل و درون خانواده می‌گذرد پی ببرد؛ از این رو باید محاسبات و نقشه‌های والدین را که به جای آنکه خود عمل خلاف و زیان بار مدنظر خویش را انجام دهند، فرزند خود را به اقدام به آن وامی دارند، نقش بر آب کرد. به هر حال باید گفت اگر سرپرست در نگهداری عامل زیان بار که کودک یکی از آنهاست کوتاهی و تقصیر نماید، مسئول جبران خسارت‌هایی است که از سوی کودک به دیگری وارد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۴۵۰؛ باریکلو، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۱۵۲). با توجه به اثری که عوامل اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت کودک و رفتار او دارد، برخی بر آن شده‌اند که می‌توان در کنار مسئولیت پدر و مادر، به طور فرعی و برای مکمل از مسئولیت دولت سخن به میان آورد. این دیدگاه زمانی که مداخله دولت در امر آموزش و پرورش گسترش یابد، موجه خواهد بود؛ زیرا دولت نیز یکی از نهادهایی است که در گستره تعلیم و تربیت کودکان نقش آفرینی می‌کند؛ بنابراین اگر از انجام تکالیف قانونی کوتاهی نماید، می‌تواند مسئول انگاشته شود.

۳-۲-۱-۱-۱. قوانین

قوانینی که حکمی درباره مسئولیت مدنی دارد، عبارت‌اند از: قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». در این ماده قانونی صغیر و مجنون مسئول جبران خسارت و زیان وارد شده به غیر هستند. این حکم از حقوق اسلام گرفته شده است و دلیل بارزی بر وجود مسئولیت موضوعی در حقوق اسلام است و با وجود آنکه بعضی از استادان مسئولیت صغیر و دیوانه را نیز ناشی از «تقصیر به مفهوم اجتماعی دانسته‌اند» (کاتوزیان، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۵۵۸)، به خوبی حکم ماده ۱۲۱۶ روشن است؛ تقصیر قابل انتساب به صغیر و دیوانه نیست؛ به تعبیری که فقها گفته‌اند ضمان از احکام وضعی است و در احکام وضعی عقل و بلوغ شرط نیست (بهرامی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۴۹۶). بنابراین اگر صغیر غیر ممیز موجب اتلاف و نقص و عیب مال غیر شود، مسئول جبران خسارت وارد شده طبق ماده ۳۲۸ ق.م. خواهد بود؛ زیرا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که عمد و بی احتیاطی را شرط مسئولیت مدنی قرار می‌دهد، منصرف از زیان وارد شده به وسیله اتلاف است؛ ولی در موارد دیگر صغیر غیر ممیز مسئولیت ندارد؛ زیرا دارای قوه تمیز نیست (امامی، ۱۳۸۴ ه.ش، ج ۱، ص ۵۹۶ - ۵۹۷).

کهن‌ترین نظریه اروپایی درباره مبنای مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر است. این نظریه مبتنی بر این باور است که مسئولیت انسانی در جایی است که خطایی مرتکب شده باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۰۱). قانون مسئولیت مدنی ایران که ظاهراً الهام گرفته از حقوق اروپایی است، در ماده ۷ مقرر می‌دارد که والدین زمانی مسئول‌اند که مرتکب تقصیر شده باشند؛ یعنی والدین در صورتی مسئول جبران زیان کودکان به غیر هستند که در انجام وظیفه قانونی خود کوتاهی کرده باشند؛ این تقصیر بر حسب مورد تقصیر در مراقبت، مواظبت یا تقصیر در تعلیم و تربیت است. تقصیر در تعلیم و تربیت در قانون مسئولیت مدنی به صراحت ذکر نشده است؛ اما ظاهر ماده ۷ ق.م. فقط تقصیر در نگهداری و مواظبت را مطرح می‌کند و به مسئولیت ناشی از تقصیر در تربیت اشاره نکرده است، در حالی که در حقوق برخی کشورها

مانند فرانسه در قانون و رویه قضایی به این موضوع اشاره شده است. در ماده ۷ ق.م.م.ا این پرسش مطرح است که آیا در حقوق ایران می توان تقصیر در تربیت را نیز سبب مسئولیت دانست. برخی از استادان برای جبران کامل خسارت با تفسیر موسع از ماده ۷ ق.م.م.تقصیر در تربیت را نیز مشمول ماده ۷ ق.م.م. می دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۲ هـ.ش، ص ۱۸۹).

ارتکاب عمل زیان بار از سوی صغیر یا مجنون، زیان دیدگان را بر آن می دارد که بپردازند اشخاص مذکور (والدین یا سرپرستان) بر حسب مورد مرتکب یکی از دو تقصیر نامبرده یا حتی هر دوی آنها شده اند. هرچند در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران، کلمه «والدین» ذکر نشده است، بلکه نگهدارنده و مواظبت کننده صغیر و مجنون را مسئول معرفی کرده است: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می باشد، در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر جبران خواهد شد».

در این ماده، مبنای مسئولیت مدنی نگهدارنده و مواظبت کننده صغیر و مجنون را در قبال زیان های ناشی از اعمال زیان بار کودکان، تقصیر نگهدارنده و مواظبت کننده معرفی شده است. توضیح اینکه والدین نگهدارنده و مواظبت کننده صغیر و مجنون به حکم قانون شرع و قانون موضوعه هستند. در صورتی والدین و نگهدارنده طفل مسئول هستند که در نگهداری و مواظبت از کودکان تقصیر کرده باشند. نگاهی عمیق به نمونه های چنین مسئولیتی نشان می دهد که مسئولیت برخاسته از کار دیگری به گونه معمول برای افرادی لحاظ می شود که به نوعی با پدید آورنده زیان ارتباط داشته باشد و این پیوند سرچشمه پیدایش مسئولیت برای آنها می شود. بر اساس همین ارتباط بی توجهی فرد به شخص زیر نظر و تحت کنترل تقصیر محسوب می شود. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران صغیر غیر ممیز و مجنون را بی بهره از مسئولیت نکرده است و مقرر می دارد: «... در صورتی که (نگهدارنده و مواظبت کننده) استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد...». باید توجه داشت که سرپرست تنها در صورتی مسئول جبران خسارت و زیان هایی است که توانایی

پرداخت آنها را داشته باشد؛ بنابراین اگر او توان پرداخت را نداشته باشد یا پرداخت خسارت سبب تنگدستی او شود، او تنها مقداری را باید بپردازد که توان پرداختش را دارد و بقیه آن باید از مال محجور و کودک جبران شود (باریکلو، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۱۵۰).

قانون مسئولیت مدنی، والدین را در صورت تقصیر صغیر مسئول معرفی کرده است و در این قانون بین صغیر ممیز و غیر ممیز تفکیک قائل نشده است، درحالی که باید تفکیک قائل شد؛ زیرا اگر نگهداری از صغیر ممیزی که دارای قوه تمیز است، دیگری بر عهده داشته باشد، صغیر ممیز در برابر افعال خود طبق قاعده عمومی مسئول و ضامن جبران زیان وارد شده است؛ زیرا با دارا بودن قوه تمیز نمی توان نگاهدارنده و مواظبت کننده را مسئول افعال زیان آور دانست، مگر اینکه بتوان در واقعه معینی مواظبت کننده را بر اساس ماده ۳۳۲ ق.م مسئول شناخت (امامی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۵۹۸).

بر مبنای قواعد و ضوابط حاکم بر «تزام سبب و مباشر»، مسئولیت صغیر و مجنون مندرج در ماده ۱۲۱۶ تا زمانی که اولیا و مستحفظین در انجام وظیفه و تکلیف خود کوتاهی نکرده باشند، اگر کوتاهی کنند، رابطه سببیت تلف با ایشان که سبب اقوا هستند برقرار شود و در آن صورت صغیر و مجنون از مسئولیت مبرا خواهند بود (امامی، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۳۹۷).

۳-۲-۱-۲. رویه قضایی

یکی دیگر از منابع حقوق و مبانی مسئولیت مدنی، رویه قضایی است. در رویه قضایی و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور نیز به موضوع جبران خسارت ناشی از اعمال کودکان پرداخته شده است و در برخی آرا، طفل را مسئول می داند و در برخی دیگر ولی را مسئول جبران خسارت معرفی کرده است. در یک حکم وحدت رویه این عنوان آمده است: «ضرر و زیانی ناشی از جرم متهم صغیر از اموال خود او استیفا خواهد شد».

دو حکم متضاد درباره مسئولیت و عدم مسئولیت والدین از محاکم کشور صادر شد که این مسئله دیوان عالی کشور را بر آن داشت تا حکم واحدی در این باره صادر کند. دو قضیه قرار ذیل است:

یکم: در مورد اتهام داریوش و حسین علی هر دو هفده ساله، شرکت در سرقت که پرونده امر در شعبه دوم دادگاه جزایی تنکابن قائم مقام دادگاه اطفال مطرح بوده؛ دادگاه در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم که مورد مطالعه زیان دیده بوده است، به این استدلال که در امور مدنی صغیر قانوناً مسئولیتی در قبال زیان دیده از جرم ندارد و مسئولیتی متوجه ولیّ قهری او می شود؛ ولیّ قهری هریک از متهمان را به پرداخت مبلغی در حق مدعی خصوصی محکوم کرده و این رأی به موجب دادنامه ای شماره ۵۹/۱۱/۱۵-۱/۲۲۴۷ شعبه دیوانعالی کشور به این بیان تأیید شده است.

دوم: درباره اتهام امیرعلی هفده ساله به اتهام ازاله بکارت، شعبه اول دادگاه اطفال با تعیین کیفر متهم، پدر او را به ولایت از فرزندش به پرداخت مبلغی به مدعی خصوص محکوم کرد. پس از تأیید رأی دادگاه استان و طرح قضیه در مرحله فرجام شعبه دوم دیوانعالی کشور، به موجب رأی شماره ۵۹/۳/۸-۲/۲۵۳ چنین رأی داده است:

در قسمت محکومیت مدنی پدر متهم، این اشکال بر حکم وارد است که مسئولیت مدنی ناشی از جرم در دادگاه جزا متوجه شخص متهم است که مورد تعقیب جزایی قرار گرفته و مداخله ولیّ متهم در دادگاه جزا در حالی که مستقیماً طرف دعوی نبوده، جایز به نظر نمی رسد. بنا به مراتب حکم فرجام خواسته از این حیث مخدوش تشخیص و نقض می شود. نظر به اینکه آرای یادشده در موارد مشابه متعارض است، به استناد ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ طرح قضیه در هیئت عمومی دیوانعالی کشور تقاضا می شود.

دیوانعالی در مورد پرونده های یادشده رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور رأی شماره ۶۰/۱/۲۹-۲ به شرح ذیل صادر نمود:

مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی در صورتی که صغیر باعث ضرر و زیان غیر شود، خود ضامن و مسئول جبران خسارت است، ولیّ او به علت عدم اهلیت صغیر نماینده قانونی وی می باشد. بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی از اموال خود استیفا خواهد شد.

بنا به مراتب مذکور رأی شعبه دوم دیوانعالی کشور از نظر توجه مسئولیت جبران خسارت ناشی از جرم بر شخص صغیر صحیح و منطبق با موازین قانونی است (باختر و رئیس، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۹۲۳ - ۹۲۵).

در این رأی، وحدت رویه والدین نماینده قانونی کودکان است که جبران خسارت را از مال کودک انجام دهد.

کمیسیون مشورتی قوه قضاییه نیز آرای زیادی در این باره دارد؛ برای مثال پرسیده شده آیا دعوی ضرر و زیان علیه صغیر قابل استماع است؟ کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری اداره حقوقی در جلسه مورخ ۴۴/۷/۶ به اکثریت چنین اظهار نظر می‌کند:

«با توجه به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و مادتين ۱۲ و ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که علیه صغیری کیفرخواست به دادگاه جزا داده شود، متضرر از جرم می‌تواند در همان دادگاه اقامه دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را علیه متهم صغیر نماید؛ انهایه با توجه به ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی دادخواست باید به ولی یا قیم صغیر ابلاغ گردد».

در مقابل اکثریت یک نظر اقلیت نیز وجود دارد: «به علت عدم کبر و رشد صغیر دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی علیه شخص متهم صغیر قانوناً پذیرفته نیست؛ ولی با در نظر گرفتن ماده ۷ مسئولیت مدنی و ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی و مادتين ۱۲ و ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری اقامه دعوی ضرر و زیان علیه ولی متهم صغیر در همان دادگاه جزا که به اتهام صغیر رسیدگی می‌نماید، قانوناً بلا اشکال است (معاونت آموزش، ۱۳۸۷ هـ.ش، ص ۷۲).

۳-۲-۲. انگاره تقصیر در نظام حقوقی مصر

در حقوق مصر افزون بر قانون و مقررات موضوعه، رویه قضایی نیز از اعتبار خاصی برخوردار است. در موضوع مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان، قانون مصر و رویه‌های قضایی مطالعه و بررسی می‌شود.

قانون مدنی جدید مصر که متأثر از حقوق فرانسه است، مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار کودکان را مبتنی بر تقصیر می‌داند. بر این اساس در بند نخست ماده ۱۷۳ قانون مدنی جدید مصر در زمینه مسئولیت مدنی پدر و مادر این گونه آمده است: «هر کسی که به موجب قانون یا قرارداد، وظیفه مراقبت از فردی را بر عهده دارد که به دلیل صغریا وضعیت عقلی یا جسمی نیازمند مراقبت است، باید زیانی که او با عمل نامشروع خود وارد می‌سازد را جبران نماید؛ حتی اگر فاعل فعل زیان بار، غیرممیز باشد». با این همه عبارت بند سوم این ماده نشان می‌دهد تقصیر سرپرست مفروض است. در این بند چنین آمده است: «مراقب اگر ثابت کند که وظیفه‌اش را انجام داده است یا با وجود مراقبت مورد انتظار باز هم آن ضرر محقق می‌گردد، از مسئولیت رها می‌شود». مسئولیت والدین مطابق این بند بر تقصیر مفروض مبتنی است.

سرپرست می‌تواند با نفی تقصیر، مسئولیت را از دوش خود بردارد؛ همچنین می‌تواند با نفی رابطه سببیت و اثبات خارجی بودن سبب به این مهم نایل آید. بنابراین سرپرست اگر نتواند رابطه سببیت یا تقصیر را نفی نماید، مسئولیت او محقق می‌گردد.

الف) مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر

با توجه به ماده یادشده می‌توان دریافت که قانون‌گذار مصر قائل به فرض تقصیر در مورد والدین گردیده است؛ بدین معنا که در صورت ایراد ضرر از ناحیه کودک، سرپرست همواره مسئول است، مگر اینکه ثابت کند سبب ضرر چیز دیگر است؛ مثلاً خود زیان دیده مقصر بوده یا علت خارجی اجتناب ناپذیری دخالت داشته است. به عبارتی سرپرست در صورتی مسئول شناخته نمی‌شود که یا بی‌تقصیری خود را ثابت نماید یا اثبات کند علت ورود ضرر، اجتناب ناپذیر بوده است.

علت اینکه حقوق‌دانان در فرانسه و مصر فرض تقصیر را در مسئولیت مدنی مطرح کرده‌اند، این است که از دیرزمانی تقصیر مبنای مسئولیت مدنی شناخته می‌شد؛ ولی عیب بزرگ نظریه تقصیر این بود که گاهی زیان دیده نمی‌توانست خطا و تقصیر کسی را که به او ضرر زده اثبات کند؛ در نتیجه خسارت جبران نشده باقی می‌ماند. برای رفع این ایراد، قانون‌گذار در پاره‌ای از امور تقصیر عامل زیان را مفروض می‌داند و زیان دیده را از اثبات تقصیر عامل ورود زیان بی‌نیاز می‌کند؛ بدین معنا کسی که مدعی زیان است (زیان دیده)، در مقام مدعی علیه قرار می‌گیرد و خواننده دعوی (سرپرست یا والدین) باید ثابت کنند که تقصیر نکرده‌اند.

ب) مفهوم تقصیر مفروض سرپرست

تقصیر مفروض در ناحیه سرپرست عبارت است از اخلاف به وظیفه سرپرستی و فرض آن است که سرپرست در انجام تکلیف قانونی و شرعی خود تلاش لازم را انجام نداده است؛ زیرا صغیری که مرتکب عمل نامشروعی می‌شود، فرض این است که سرپرست در مراقبت از او کوتاهی کرده است. دامنه این فرض تقصیری توسعه داده می‌شود و چنین فرض می‌شود که سرپرست با تربیت نادرست فرد تحت سرپرستی‌اش، راه ارتکاب عمل نامشروع را برای وی آماده کرده است. نتیجه اینکه پدر در مراقبت از فرزندش کوتاهی کرده یا او را بد تربیت کرده است؛ در هر دو حالت (یعنی کوتاهی در مراقبت و سوء تربیت) مرتکب خطا و تقصیر شده است و باید توجه داشت چنین فرض تقصیری محدود به رابطه سرپرست و زیان دیده است (السنه‌وری، ۱۳۸۴ ه.ش، ج ۲، ص ۲۰۸ - ۲۰۹). بر اساس نظریه فرض تقصیر در برخی موارد در صورت ورود زیان، مفروض آن است که فاعل تقصیر کرده است.

بنابراین اصل بر مسئولیت وی است؛ اما فاعل در مقام دفاع می‌تواند عدم تقصیر خود را ثابت کند و فرض یا اماره ابتدایی را از بین ببرد. مطابق قانون مدنی مصر در مسئولیت والدین تقصیر مفروض است و بایک فعل یا ترک فعل ساده تحقق می‌یابد، در حالی که در قانون مدنی

ایران در مسئولیت والدین اثبات تقصیر لازم است. درواقع از لحاظ بار اثبات هر دو قانون متفاوت هستند.

ج) فرزند تحت مراقبت

فرزندى تحت مراقبت كسى كه تربيت او را عهده‌دار است، در مرحلهٔ تعليم به سر مى‌برد. حال اگر او به مدرسه برود، در زمان حضور در مدرسه، مراقبت از وی تا وقتی که در کلاس است، بر عهدهٔ معلم کلاس است و بعد از آن تا وقتی در داخل مدرسه است، بر عهدهٔ مدیر مدرسه خواهد بود.^۱ در صورت دولتی بودن مدرسه، دولت از باب مسئولیت متبوع به تابع خود، مسئول عمل معلم یا رئیس مدرسه است.^۲ اگر فرزند شروع به یادگیری حرفه‌ای کند، وظیفه مراقبت از وی در زمان کارآموزی بر عهده استادکار خواهد بود، بدون آنکه وجود قراردادی صریح در این رابطه ضروری باشد؛ زیرا نفس کارآموزی دلالت بر وجود چنین توافق ضمنی دارد. این مسئله یک موضوع واقعی و برآورد آن بر عهده قاضی است. به محض اینکه در یک روز درسی یا کاری، فرزند از درس یا کار فارغ می‌شود، بار دیگر سرپرستی او به کسی بر می‌گردد که عهده‌دار تربیت وی است. بنابراین فرزند در مرحله تربیت همواره تحت مراقبت قرار دارد و به تناسب حالت‌های مختلف و به شرحی که گذشت، وظیفه مراقبت از وی از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌گردد. ممکن است صغیر دختری باشد که پیش از رسیدن به سن رشد ازدواج کرده باشد؛ در این حالت مراقبت از وی بر عهده کسی که متکفل تربیت وی بوده است، یعنی شوهرش منتقل می‌گردد که باید تا وقتی که از صغر خارج نشده است، از وی مراقبت نماید. چنانچه خود شوهر به دلیلی چون صغیر یا غیر آن تحت مراقبت دیگری قرار داشته باشد، سرپرست شوهر مسئول مراقب از زوجهٔ او نیز خواهد بود و در برابر هر دو مسئول شناخته می‌شود. هنگامی که تنها شوهر به سن رشد برسد، شوهر عهده‌دار مراقبت از زوجه خواهد بود (السنه‌وری، ۱۳۸۴ هـ. ش، ص ۲۰۵).

درباره صغیر در قانون مصر آمده است که رسیدن صغیر تا سن پانزده سالگی که به سن احتلام می‌رسد، نیازمند مراقبت است و به طور معمول صغیر تا پانزده سالگی تحت حمایت کسی است که تربیت او را بر عهده دارد. تربیت و مراقبت در درجه اول بر عهده پدر است؛ در صورت نبود پدر، به طور معمول پدر بزرگ یا عمو یا غیر اینها مسئول هستند. در مواردی ممکن است تربیت فرزند گرچه در قالب توافق ضمنی از ولی قهری به مادر منتقل شود. مطالب یادشده اختصاص به موردی دارد که طفل هنوز به سن پانزده سالگی نرسیده باشد؛ اما در حالت رسیدن طفل به پانزده سالگی و خارج شدن از قیود تربیت و زندگی نکردن تحت حمایت دیگری و کسب درآمد مستقل، دیگر هیچ‌کس مسئول اعمال او نخواهد بود؛ ولی اگر کودک با وجود رسیدن به پانزده سالگی همچنان تحت سرپرستی دیگری باشد، سرپرست تا زمانی که کودک به سن رشد نرسیده یا زندگی مستقل را آغاز نکرده است، مسئول خواهد بود (السنه‌وری، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۲۰۵).

۳-۲-۲. رویه قضایی

یکی از منابع مهم مبانی حقوقی، رویه قضایی است که در برخی کشورها منبع اول است؛ ولی در برخی دیگر منبع فرعی است. در کشور مصر رویه قضایی از اعتبار بالایی برخوردار است. دیوانعالی کشور مصر در آرای متعدد پدر را به شرط همراهی با فرزند و نرسیدن طفل به سن رشد، مسئول زیان‌هایی دانسته است که از سوی کودک به دیگران وارد می‌شود؛ برای نمونه (محاماه، ج ۱۲، ش ۴۹۴، ص ۹۹۰) احکامی وجود دارد که سرپرستی ولی قهری در برابر طفل را محدود به سن ولایت بر نفس (یعنی پانزده سالگی) می‌کند (محاماه، ج ۲۴، ش ۱۰۰، ص ۳۲۶). به موجب حکم دیگری که مطابق مقررات جدید است، مسئولیت پدر در برابر فرزند بعد از ۲۱ سالگی فرزند بی‌مورد است و قاضی تنها در محدوده ۱۵ تا ۲۱ سالگی فرزند در تعیین خسارت از آزادی عمل برخوردار است (محاماه، ش ۱۳۷، ص ۲۹۹) و چه بسا پس از رسیدن

فرزند به سن رشد نیز تا زمانی که تحت سرپرستی پدر و تحت حمایت وی به سر می‌برد، همچنان پدر مسئول اعمال وی می‌باشد.

۴. وجه اشتراک و افتراق حقوق ایران و مصر در مبنای مسئولیت والدین

۴-۱. وجه اشتراک بین دو قانون

در مقام تطبیق بین دو سیستم حقوقی این نتیجه به دست می‌آید که در هر دو سیستم حقوقی مبنای مسئولیت والدین در زیان وارد شده از سوی کودکان به افراد ثالث تقصیر قرار دارد. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران والدین را در صورتی مسئول می‌داند که مرتکب تقصیر شده باشد و بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است؛ اما در ماده ۱۷۳ قانون مدنی مصر برای والدین تقصیر را فرض کرده است که در این صورت اگر والدین بخواهند نداشتن تقصیر خود را اثبات کنند، باید دلیل بیاورند؛ همچنین بار اثبات دلیل نداشتن تقصیر بر عهده والدین است.

۴-۲. وجه افتراق بین دو قانون

در وجه اشتراک دو نظام حقوقی بیان شد که در هر دو حقوق، مبنای مسئولیت تقصیر والدین قلمداد شده است. تفاوت بین دو نظام حقوقی این است که مبنای مسئولیت مدنی والدین در قبال زیان وارد شده از ناحیه کودکان به اشخاص ثالث، تقصیر ثابت شده و محرز والدین است و اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است. بر این اساس زمانی می‌توان والدین را مسئول شناخت که بتوان تقصیر آنها را ثابت کرد؛ اما در حقوق مصر نیز مبنای مسئولیت والدین تقصیر است؛ ولی با این تفاوت که در این نظام حقوقی، تقصیر را مفروض گرفته‌اند؛ یعنی اصل اولی این است که والدین مقصرند، مگر اینکه ثابت کنند تقصیری ندارند. اینجا بار اثبات بر عهده والدین است و برای رهایی از مسئولیت، باید بی‌تقصیری خود را ثابت کنند. البته

در رویه قضایی پدر مسئول نیست، بلکه خود طفل مسئول است و پدر در جایگاه نماینده کودک خسارت را از مال طفل جبران می‌کند. رویه قضایی مصر والدین را در قبال اعمال زیان بار کودکان تا زمانی مسئول می‌داند که تحت حمایت پدر و در محدوده سنی معین ۱۵ تا ۲۱ سالگی باشد.

۵. ماهیت مسئولیت والدین

ماهیت مسئولیت والدین از ناحیه غیری یا نفسی بودن مورد بحث است؛ به این معنا که مسئولیت مدنی والدین که تحت عنوان مسئولیت ناشی از عمل غیر مورد بحث قرار می‌گیرد، چهره‌ای استثنایی از مسئولیت است؛ زیرا ظاهر این است که این ضرر و زیان ناشی از عمل غیر است؛ ولی در حقیقت والدین به سبب تقصیری که در انجام وظیفه خود برای حفظ و نگهداری و تربیت کودک مرتکب شده‌اند، مسئول شناخته می‌شوند؛ پس خسارتی که جبران می‌کند، خسارت ناشی از تقصیر خویش است، هرچند این زیان را دیگری به بار آورده باشد. حقوق‌دانان ایرانی و فرانسوی معتقدند مسئولیت والدین در برابر اعمال زیان بار فرزندشان ناشی از عمل دیگری نیست، بلکه آنها به دلیل تقصیر خود در نگهداری و مراقبت و تربیت کودک مقصر شناخته می‌شوند.

الف) طفل غیر ممیز

جز در مورد اتلاف صغیر ممیز، در واقع پدر و مادر مسئول خطای خویش اند نه ضامن خطای کودک و دیوانه (کاتوزیان، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۲، ص ۱۸۳). زمانی که به حکم قانون و عرف مسئولیت پدر و مادر برخاسته از تقصیر آنها باشد، مسئولیت پدر و مادر اصلی است نه مسئولیت غیر، به ویژه در فرضی که کودک غیر ممیز یا مجنون باشد. در این حالت اگرچه کودک مباشر اعمال زیان بار است، به دلیل نقصان قصد و ضعف عقل آنها، رابطه علیت بین کودک و عمل زیان بار از بین خواهد رفت و والدین سبب مسئولیت خواهند بود و کودک

مانند ابزار است. در بحث مسئولیت مدنی در فقه و حقوق به اثبات رسیده است که در فرض اجتماع سبب و مباشر زمانی که سبب اقوی باشد، مقدم بر مباشر است. در زیان وارد شده از سوی کودک، والدین سبب هستند و مقدم؛ زیرا در این حالت مباشر یعنی کودک حکم ابزار را دارد و عامل اصلی زیان سبب است؛ در نتیجه می توان گفت والدین تقصیرکار هستند (محقق داماد و میری، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۸۶۵).

ب) طفل ممیز

وضعیت مسئولیت والدین در برابر کودکان غیر ممیز که ضرری به دیگری وارد کرده باشند، فرق می کند؛ زیرا صغیر ممیز خوب و بد را از هم تشخیص می دهد و در صورت ورود زیان از سوی کودک ممیز به دیگران، رابطه علیت عرفی میان آنها و زیان برقرار است. بنابراین هر چند والدین و سرپرستان در نگهداری و مراقبت از آنها کوتاهی کرده باشند، نمی توان کوتاهی پدر و مادر را عامل نیرومندتر از مباشر در نظر گرفت. اگر مباشر، مختار و عاقل باشد و به عمل خود و نتیجه آن توجه داشته باشد، ضامن است و مسبب مسئولیتی ندارند؛ ولی اگر مباشر صاحب اراده و فهم نباشد، مسبب ضامن خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۲۲). بنابراین اگر ماده ۷ ق.م.م.وجود نمی داشت، با توجه به قواعد عمومی مسئولیت مدنی ماده ۱ ق.م.م.و ماده ۱۲۱۶ و با توجه به اینکه احراز رابطه سببیت عرفی است و عرف این رابطه را بین عمل صغیر و خسارت احراز می کند که خود طفل ضامن است؛ ولی مسئولیت نوعی مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص است (یزدانیان، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۲۱).

ماهیت مسئولیت مدنی در برابر وضعیت کودکان فرق می کند؛ در برابر کودک غیر ممیز، مسئولیت نفسی است نه مسئولیت ناشی از فعل غیر؛ اما درباره کودک ممیز شاید مسئولیتی نداشته باشد. بر مبنای این نظریه تنها دلیلی که می تواند مسئولیت کسی را به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت میان تقصیر او و ضرر است (کاتوزیان، ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۱۸۳).

نتیجه

از بررسی و مطالعه حقوق ایران و مصر می‌توان به این برآیند رسید که مسئولیت سرپرست کودکان ناشی از تقصیری است که آنان در نگهداری و مواظبت از کودکان مرتکب شده‌اند. در حقوق ایران تقصیر محقق را مبنای مسئولیت می‌داند؛ ولی در حقوق مصر فرض تقصیر را سبب مسئولیت مدنی والدین معرفی کرده است. مهم‌ترین پیشنهاد تحقیق حاضر این است که امروزه بر اثر کاهش قدرت خانواده و نظارت والدین بر اعمال و رفتار فرزندان و آزادی عمل بیشتر آنها از یک سو و افزایش بیماری‌های روحی و روانی از سوی دیگر، خساراتی به دیگران وارد می‌آید. لزوم جبران خسارات ناشی از اعمال زیان‌آور اقتضا می‌کند که قانون‌گذار ایران نیز همانند برخی از کشورهای دیگر چون فرانسه و مصر، برای سرپرست کودکان یک اماره فرضی پیش‌بینی کند؛ این امر از یک سو مانع از اهمال و قصور سرپرست کودکان در نگهداری و مواظبت از این قبیل اشخاص می‌گردد و از سوی دیگر موجب تسهیل در امر مطالبه خسارت از ناحیه زیان‌دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. به موجب یک رأی، اگر عمل ارتكابی فرزند در داخل مدرسه ناشی از سوءتربیت پدر باشد، همچنان این پدر مسئول شناخته می‌شود.
۲. برای دیدن مقررات مربوط به مدرسین در فرانسه، ر.ک: مازو، ۱، ش ۷۸۴ و ش ۵۱.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ هـ). لسان العرب. ج ۱. قم: نشر ادب الحوزه.
۲. امامی، حسن. (۱۳۸۷ هـ.ش). حقوق مدنی. ج ۲۸. تهران: اسلامیه.
۳. انصاری، مرتضی. (۱۴۳۴ هـ). المکاسب. ج ۳. چ ۲۰. قم: مجمع فکر اسلامی.
۴. انوری، حسین. (۱۳۸۲ هـ.ش). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

۵. باختر، سید احمد؛ و مسعود رئیسی. (۱۳۸۳ ه.ش). مجموعه کامل آراء وحدت رویه قضایی (حقوقی و کیفری). تهران: خط سوم.
۶. بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۹۳ ه.ش). ضمان قهری. چ ۲. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۷ ه.ش). العناوین الفقهیه. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حکمت نیا، محمود. (۱۳۹۷ ه.ش). فلسفه نظام حقوق زن. چ ۲. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. داوید، رنه؛ و کامی ژوفره اسپینوزی. (۱۳۸۷ ه.ش). درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه و تلخیص: سیدحسین صفایی. چ ۲. تهران: نشر دادگستر.
۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ه.ش). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷ ه.ش). المفردات فی غریب کلمات القرآن. چ ۱. [بی جا]: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۱۲. رودیان، حسنعلی. (۱۳۷۶ ه.ش). «مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت ومواظبت دیگری هستند». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۳۶. ش ۰.
۱۳. زبیدی، محب الدین؛ و سیدمرتضی حسینی. (۱۴۱۴ ه.ش). تاج العروس من الجواهر القاموس. مصحح: علی شبری. ج ۱۰. چ ۱. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۴. السنهوری، عبدالرزاق احمد. (۱۳۶۹ ه.ش). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه التزام بوجه العام. ج ۱. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۵. _____. (۱۳۸۴ ه.ش). حقوق تعهدات. مترجمان: سیدمهدی دادرزی و محمدحسین دانش کیا. ج ۲. چ ۱. قم: دانشگاه قم.
۱۶. صفایی، حسین. (۱۳۹۲ ه.ش). مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان آور صغیر و مجنون، حقوق مدنی تطبیقی. تهران: نشر میزان.
۱۷. _____. (۱۳۷۵ ه.ش). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. چ ۱. تهران: نشر میزان.
۱۸. صفایی، حسین؛ و حبیب الله رحیمی. (۱۳۸۹ ه.ش). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). چ ۱. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۱۹. فیومی، احمد بن محمد بن علی. (۱۴۱۸ ه.ش). المصباح المنیر. چ ۲. بیروت: المکتبه العلمیه.
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲ ه.ش). الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری). ج ۱. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸ ه.ش). «فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی» دوره ۳۹. ش ۱.
۲۲. _____. (۱۳۷۸ ه.ش). حقوق خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۳. _____. (۱۳۸۴ ه.ش). دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی). ج ۸. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۴. _____. (۱۳۸۷ ه.ش). مقدمه علم حقوق. ج ۶۵. تهران: شرکت انتشار.
۲۵. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۳ ه.ش). قواعد فقه بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۶. محقق داماد، سیدمصطفی؛ و حمید میری. (۱۳۹۷ ه.ش). «نگرش تطبیقی بر مبنای مسئولیت مدنی پدر و مادر در برابر کارهای زیان بار فرزندان؛ ضرورت بازنگری در حقوق ایران». مجله مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۹. ش ۲.
۲۷. مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۹۲ ه.ش). مبانی و کلیات علم حقوق. ج ۱۹. تهران: پایدار.
۲۸. معاونت قوه قضائیه. (۱۳۸۷ ه.ش). رویه قضایی ایران، در ارتباط با دادگاه اطفال. تهران: معاونت قوه قضائیه.
۲۹. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ه). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. وزیري، مجید. (۱۳۸۷ ه.ش). حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن. ج ۲. تهران: نشر بین الملل.
۳۱. یزدانیان، علی‌رضا. (۱۳۹۳ ه.ش). «مسئولیت مدنی اشخاص مراقب نسبت به اعمال تحت مراقبت و لزوم توسعه آن با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه». مجله دادگستری. س ۷۸. ش ۸۵.